

# فقر و مشکلات معیشتی (انجمن حمایت زندانیان مرکز)

از دیدگاه جامعه شناسان و روان شناسان بیکاری یکی از ریشه های مهم بزهکاری و کجروی افراد يك جامعه است. بیکاری موجب می شود که افراد بیکار جذب قهوه خانه ها و مراکز تجمع افراد بزهکار شده، به تدریج، به دامان انواع کجروی های اجتماعی کشیده شوند.

علاوه براین، چون بیکاری زمینه ساز بسیاری از انحرافات اجتماعی است، افراد با زمینه قبلی و برای کسب درآمد بیشتر دست به سرقت می زنند؛ چرا که فرد به دلیل نداشتن شغل و درآمد ثابت برای تأمین مخارج زندگی مجبور است به هر طریق ممکن زندگی خود را تأمین نماید. از نظر چنین فردی، بزهکاری به ظاهر معقول ترین و بهترین این راه هاست. حاصل تحقیقات صورت گرفته نیز حکایت از تأثیر قاطع بیکاری و فقر بر افزایش بزهکاری دارد.

در میان علل و عوامل پیدایش بزهکاری و ارتکاب انحرافات اجتماعی، عامل فقر و مشکلات معیشتی و اقتصادی از جایگاه ویژه ای برخوردار است. عدم بضاعت مالی مکفی خانواده ها و ناتوانی در پاسخگویی به نیازهای طبیعی و ضروری مانند فراهم ساختن امکان ادامه تحصیل حتی در مقطع متوسطه، تأمین پوشاک مناسب، متنوع و متناسب با سلیقه و روحیه آنان و... زمینه ساز بروز دل زدگی، سرخوردگی، ناراحتی های روحی، دل مشغولی، افسردگی و انزوای طلبی را در فرزندان فراهم می سازد.

این امر موجب می شود تا این افراد برای التیام ناراحتی های ناشی از مشکلات خود از طریق مستقیم و یا غیرمستقیم، به اقداماتی دست بزنند و خود درصدد حل مشکل خویش برآیند. در نتیجه، بسیاری از این افراد برای رهایی از بند گرفتاری ها، دست به ارتکاب اعمال ناشایست می زنند.

از سوی دیگر، امروزه فشارها و مشکلات اقتصادی، احتمال دو شغله بودن یا اشتغال نان آوران خانواده در مشاغل کاذب یا غیر مجاز را افزایش داده است. همین مسئله منجر به کم توجهی آنان نسبت به نیازهای جوانان، رفع مشکلات روحی و روانی و تربیت صحیح و شایسته آنها گردیده است. در این زمینه، انعکاس شرایط افسانه ای برخی زندگی ها و نمایش فاصله های طبقاتی توسط رسانه ها نقش مؤثری در ازدیاد این مشکل دارند.

در يك پژوهش صورت گرفته در ارتباط با علل و عوامل سرقت در میان

جوانان ، سارقان مورد مطالعه چنین پاسخ داده اند:  
«اگر شغل مناسبی داشتم»؛ «اگر از نظر مالی بی نیاز بودم» و «اگر  
مسکن مناسبی داشتم» دست به سرقت نمی زدیم.  
پژوهش های نظری نیز مؤید این دیدگاه است که فقر زمینه ساز بسیاری  
از معضلات اجتماعی است. برای نمونه، از نظر مرتون هنگامی که افراد  
نتوانند وسایل لازم را برای رسیدن به هدف های مورد نظر در اختیار  
داشته باشند (و یا جامعه در اختیار ایشان قرار ندهد)، و هدف اصلی  
فراموش شود، افراد اهداف و آرمان های مورد نظر جامعه را نمی  
توانند با پیروی از راه های مجاز و نهادینه شده تعقیب کنند، از  
این رو، دزدی، فریبکاری، فساد، رشوه، و ارتکاب انواع جرایم در  
جامعه افزایش می یابد.